

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد همه سر به سر تن به کشتن دهیم  
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Ideological

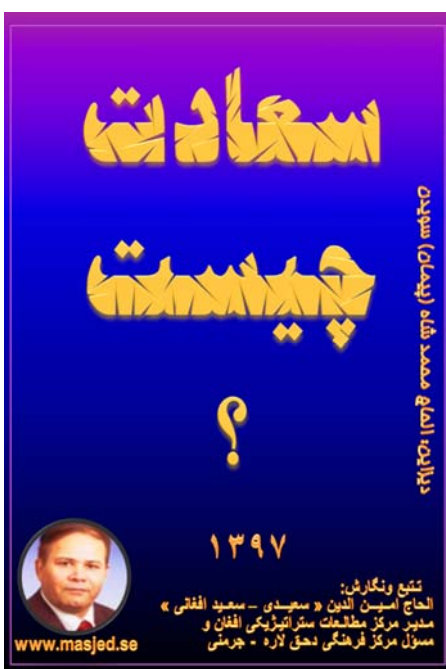
مسائل ایدئولوژیک

الحاج داکتر امین الدین سعیدی-سعیدافغانی  
۰۶ می ۲۰۱۹

## بسم الله الرحمن الرحيم

مفهوم سعادت و معانی اصطلاحی آن و فهم ما از سعادت یکی از مطالب مهم و مرکزی در جوامع بشری و زندگی ما انسانها به شمار می‌رود. یکی از سؤال‌های مهم در زندگی انسان اینست که در باید که سعادت چیست؟ سعید و خوشبخت کیست؟ سعادت واقعی چیست؟ و چطور می‌تواند انسان به سعادت واقعی دست یابد؟ یافتن جواب درست و منطقی به این سؤالات، به اطمینان کامل حلی برای بسیاری از مشاغل ما شده می‌تواند و درک مفردات آن امر بسیار مهمی به شمار می‌رود.

سعادت در فرهنگ هر ملت و حتی هر انسان مفهوم، محتوا و تعاریف مختلفی دارد. هر گروه و فرقه انسانی سعادت را به شکل خاصی و ذوق خود تعریف و تشریح نموده‌اند و فهم خویش را ازین مفهوم دارند.



کلمه سعادت یا خوشبختی در لغت، توسط علماء به معنای سعادت و خوش طالعی مورد ترجمه و تفسیر قرار گرفته است. همچنان علماء در تعریف سعادت می‌گویند: «سعادت: رسیدن به هر نوع کمال ممکن که انسان استعداد و شایستگی وصول به آن را دارد» و یا به عبارت دیگر: سعادت عبارت از استفاده صحیح، سالم و مشروع از نیروهای مختلف مادی و معنوی که پروردگار در تصرف و اختیار انسان قرار داده‌است.

این فهم را قرآن عظیم الشان (در سوره شمس آیات: ۷-۱۰) با زیبایی خاص خویش چنین معرفی می‌فرماید: (وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّاهَا ۗ فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا ۗ ۸ قَدْ أَفْلَحَ مَن زَكَّاهَا ۗ ۹ وَقَدْ خَابَ مَن دَسَّاهَا ۗ ۱۰) [الشمس: ۷-۱۰]. از فحوی آیات متبرکه که با صراحت تام معلوم می‌گردد که: فلاح انسان در گرو تزکیه نفس است و «فلاح» همان سعادت و کمال نفس انسانی است، از این نظر که موجب رستگاری و رها شدن انسان از مشکلات است. از آن نظر که موجب دستیابی به خواسته‌هاست «فوز» و از نظر این که مطلوب ذاتی است «سعادت» نامیده می‌شود.

اگر ما حکمت و فلسفه خلقت انسان را مورد تحلیل و ارزیابی قرار دهیم با وضاحت تام در خواهیم یافت که، هدف از خلقت جهان و به تعقیب آن خلقت انسان، رساندن انسان به کمال فضیلت و رساندن انسان به بالاترین کمال انسانی

است، بنابر همین منطق است که گفته می‌توانیم که انسان فطرتاً مخلوق کمال‌جو و سعادت طلب خلق گردیده است. بناً همه انسان‌ها می‌خواهند خود را به سعادت گم شده خود برسانند.

**ولی در این جای شک نیست که انسان‌ها برای رسیدن به معراج سعادت برای خود راه‌ها و وسایل مختلفی را مطرح و پیش‌بینی می‌نمایند.**

برخی از انسانها رسیدن به سعادت و خوشبختی متصور خویش را در رسیدن به «لذت» ظاهری و برخی دیگر از انسان‌ها «لذت‌های» باطنی را مایه سعادت و خوشبختی معرفی می‌دارند.

ابن‌سینا، سعادت را به فعلیت رسیدن استعدادهای انسان به طور یکنواخت و هماهنگ که موجب کمال انسان می‌شود، معنا کرده‌است. (رساله سیمای خوشبختی، نوشته حمید رسائی، صفحه ۱۷).

همچنان علماء بدین باور و عقیده‌اند که هر کدام از دو خصوصیت (سعادت و شقاوت) برای خود معنای به خصوصی دارند. به طور مثال: «روح» دارای سعادت و شقاوتی است. و «جسم» هم دارای سعادت و شقاوت به خصوص خود می‌باشد. بنابر همین منطق است که قرآن عظیم الشان انسان را موجودی مرکب از جسم و روح معرفی داشته است. روحی ابدی و جسمی متحول و متغیر. بنابراین آنچه که تنها مربوط به سعادت، «روح» انسان است. مانند علم، تقوا و امثال آن، از سعادت‌های انسانی می‌شمرد و همچنین اموری که سعادت جسم و روح را با هم دربر دارد، از سعادت‌های انسان محسوب می‌شود: مانند نعمت مال و اولاد به شرط آن که انسان را از یاد پروردگار غافل نکند و دلبستگی به حیات دنیوی را به دنبال نداشته باشد. همچنین سعادت انسان اموری است که در ناحیه جسم و بدن سختی و ناملایماتی را به وجود آورد ولی در ناحیه روح از سعادت شمرده می‌شود، مانند قبول مشقت‌های جسمی در راه خدا، انفاق اموال در راه خدا. اما اموری که در روح شقاوت ایجاد کند، گرچه سعادت جسمانی را به همراه داشته باشد، هیچ‌گونه سعادت را همراه ندارد، مانند لذاندی که فقط جنبه دنیوی غیر مشروع داشته و این لذایذ غیر مشروع دنیوی موجب فراموشی از یاد خداوند گردد. این نوع لذاندی و به اصطلاح سعادت غیر مشروع جسمانی را پروردگار برای انسان در واقعیت عذاب شمرده است.

دین مقدس اسلام، به انسان هشدار می‌دهد که مفهوم زندگی این نیست که انسان یکسره خود را به لذایذ و رنج‌های دنیوی منحصر شمارد. بلکه زندگی ابدی و جاودانه نیز با رنج‌ها و لذت‌های متناسب با اعمال انسان‌ها در راه است و این انسان است که می‌تواند انتخاب کند زندگی زودگذر و فانی، یا سعادت جاودانه و ابدی و همیشگی. دین اسلامی درین راستا اعتدال را مراعات کرده و برای بهره‌گیری از لذایذ مادی و معنوی حدود و ثغور بس عالی و انسانی را تعیین نموده که با پیروی همان گونه که از طبیعت این دین که دین دنیا و آخرت است رهنمائی و هدایت می‌کند. پیروی ازین اصول سبب صلاح و فلاح دنیا و آخرت خواهد بود.

مسئله است که سعادت و خوشبختی از آن انسان‌ها و جوامع بشری است که آسایش خاطر و آرامش بیشتری داشته باشند. برای عده‌ای که سعادت و خوشبختی را تنها در داشتن مال دنیوی خلاصه می‌کنند باید گفت که: مال و ثروت و قدرت، به هیچ صورت منشأ سعادت و خوشبختی به حساب نمی‌آید، زیرا ثروت و قدرت، رفاه می‌آورند اما حتمی نیست که آرام بخش باشند. یکی از دانشمندان انگلیس می‌گوید: برای مردم عاقل، ثروت یکی از عوامل اضطراب و بدبختی است. مسأله مهم این است که باید بکوشیم تا مالک ثروت خود باشیم، نه بنده آن. ما باید امیر نفس باشیم نه اسیر نفس. کسانی که در عشق ثروت و قدرت فرورفته‌اند و همیشه خود را اسیر آن ساخته‌اند و متداوماً در فکر آن می‌باشند که می‌باید در کشمکش حوادث، مال و دارائی خویش را از دست ندهند، بآه همیشه در فکر غرق‌اند.

باید دانست که همچو اشخاص به هیچ وجه روی خوشی را نخواهند دیدی. باید تعمق کرد و دانست که در کفن جیب نیست ( آن هم به گمان است که ببری یا نبری).  
انسان چگونه می تواند به سعادت حقیقی دست یابد:

### ۱- کسب رضای پروردگار:

اولین چیزی که انسان می تواند به سعادت واقعی و حقیقی برسد همانا کسب رضای پروردگار با عظمت است. قرآن عظیم الشان در سوره عصر، آنده از انسانها را از خسران مستثنی می سازد که آنان مؤمن و نیکوکار باشند. قرآن عظیم الشان با صراحت تام بیان می دارد: انسانهای مؤمن و نیکو کار به طور حتمی به فلاح و رستگاری دست می یابند. (إِلَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَّاصُوا بِالْحَقِّ وَتَوَّاصُوا بِالصَّبْرِ ۙ) [العصر: ۳].  
علمای علم اخلاق می گویند خوش بخت کسی است که زندگی خوشایندی داشته باشد و رسیدن به این مأمول جز با رضای پروردگار در چیزی دیگری به دست نمی آید.

### ۲- تقوا و پر هیزگاری:

دومین عامل رسیدن به سعادت حقیقی را قرآن عظیم الشان در سوره شمس آیت (۹) پس از یازده سوگند و قسم چنین بیان می دارد:

سعادت و رستگاری نصیب آنده از انسان هائی است که خود را از پلیدی تطهیر کند و بدبخت کسی است که به ناپاکی روی بیاورد.

یکی از عوامل ارسال کتب سماوی و ارسال پیغمبران الهی در همین فهم خلاصه می گردد، پیغمبران آمده اند تا برای ما انسان ها راه زندگی و رسیدن به زندگی سعادت مند ابدی را نشان دهند. پیامبران الهی مبعوث گردیده اند تا برای بشریت راه خیر و راه رسیدن به سعادت را تعلیم دهند. یکی از دلایل رسالت انبیاء همین است که برای انسان ها راهها و طرق ورود به زندگی سعادت مند، خوش بختی، نیکی و نیکوکاری، راستی و درستی و استحکام اخلاقی و خیرخواهی و مهربانی را بیاموزاند.

### ۳- یاد پروردگار:

مهمترین عامل و وسیله ای که موجب خوشی و آرامش روح انسان می گردد، همانا یاد پروردگار است. قرآن عظیم الشان در (سوره رعد: آیت ۲۸) مهم ترین عامل و وسیله برای خوشی و آرامش روح را یاد پروردگار معرفی داشته است: (أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ) [الرعد: ۲۸]. «تنها با یاد پروردگار است که، قلبها آرام می گیرند». البته روی گرداندن از یاد الله را عامل سیه روزی و بدبختی معرفی داشته و می فرماید: (وَمَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا) [طه: ۱۲۴]. «هر کس از یاد من روی گرداند، زندگی اش سخت می شود». اما باید گفت راز خوشبختی تنها در نور ایمان الهی نهفته است و بس. انسان هائی در زندگی خویش خوشبخت هستند که از آرامش نفس و روح حقیقی برخوردار باشند. آنده از انسان هائی که سعادت را صرف در زراندوزی و انباشتن مال و منال می پندارند در اشتباه اند. تجربه به اثبات رسانیده است که مال، و دارای زیاد هیچ وقت برای انسان سعادت را به بار نیاورده، در زیادت از موارد همین مال و ثروت است که باعث مصیبت ها و فلاکت های متعددی برای انسان می گردد.

#### ۴- عمل صالح:

قرآن عظیم الشان عمل صالح را در اعمالی مانند جهاد فی سبیل الله، امر به معروف، نهی از منکر، بجا آوردن شکر نعمت‌های الهی و توبه را مایه، زندگی با سعادت برای انسان معرفی داشته است.

#### ۵- مجالست و هم نشینی با علماء و بزرگان:

پیغمبر اسلام می فرماید: «سعادت مندترین انسانها کسانی‌اند که با علماء و شخصیت‌های بزرگوار و کریم هم نشینی داشته باشد».

#### ۶- داشتن اولاد صالح:

زن صالحه و منزل شایسته؛ از جمله عواملی است که واقاً انسان را به سعادت‌مندی واقعی می رساند: در حدیثی از پیغمبر اسلام محمدص روایت است که میفرماید: «من سعادة المرء المسلم الزوجة الصالحة والمسكن الواسع والمركب الهنيء والولد الصالح». «از سعادت انسان مسلمان است که زن شایسته، خانه وسیع، مرکب راهوار و فرزند شایسته نصیبش باشد».

#### هموطنان و خوانندگان گرامی و محترم!

نصحیت و توصیه اخلاص‌مندان، دوستانه و برادرانه من برای رسیدن به زندگی با سعادت و بهتر، این است: **که باخود تعهد نمائیم که مرتکب گناه نشویم. من معتقدم که هرچه گناه و عصیان کمتر باشد زندگی سعادت‌مند و لذت‌مند در اختیار خواهیم داشت. بر ماست تا باطن ما بهتر از ظاهر ما باشد.**

خوش خلقی را نباید در زندگی فراموش کرد، آنچه که در زندگی از آن فایده‌ای و سعادت اصلی متصور نیست آن را باید ترک کرد ما باید به این نتیجه در زندگی خویش برسیم که در دنیا آنچه نصیب انسان می‌ماند که با کار آخرت آید.

انسان نباید فریب مال و منال دنیا را خورده و همیشه در فکر پول و پیسه و دارائی برآید. در این هیچ جای شک نیست، انسان تا می‌تواند کار و زحمت بکشد تا محتاج کسی نشود و دستش برای دیگران دراز نشود. اما مراعات اعتدال و اوامر الهی درین رستا سبب صلاح و فلاح هر دو عالم خواهد گردید.

**الهی ما را سعادت دارین نصیب فرما.**

**الهی ، پرودگارا بر خود ظلم روا داشته‌ایم اگر بر ما ترحم و گذشت نکنی از جمله خساره مندان خواهیم بود.  
ربنا ظلّمنا أنفسنا أن لم تغفر لنا وترحمنا فنكونن من الخاسرين.**

**ومن الله التوفيق**

تتبع ونگارش : الحاج داکتر امین الدین « سعیدی- سعید افغانی » مدیر مرکز مطالعات ستراتیژیک افغان و مسؤول مرکز فرهنگی دحق لاره - جرمنی